

## راهبردهای انتساب دورویی به ایرانیان

### (بررسی متون شامل خلیقات ایرانیان، از صفویه تا پهلوی)

آرمین امیر<sup>۱</sup>، مجید فولادیان<sup>۲</sup>، صفورا جمشیدی<sup>۳</sup>، سارا شاد<sup>۴</sup>،  
سلما رنجبری<sup>۵</sup>، آرزو مرادی<sup>۶</sup>، نیلوفر نجیب نیا<sup>۷</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۰۲، تاریخ تایید: ۹۷/۱۲/۱۸

Doi: 10.22034/jcsc.2020.92443.1692

#### چکیده

از دیدگاه بیشتر سفرنامه‌نویسان، دیپلمات‌ها، بازرگانان و دیگر غربی‌هایی که با انگیزه‌های متفاوت به ایران آمده بودند، دورویی (ظاهرسازی) از جمله ویژگی‌های عام فرهنگی و رایج ایرانیان شمرده شده است. اساس شکل‌گیری پژوهش حاضر، پاسخ به این سؤال بوده است: نویسندگان متونی که ایرانیان را دورو خوانده‌اند، چگونه نظر خود را به مخاطب منتقل کرده‌اند؟ با توجه به این پرسش، به‌جاست این سؤال را مطرح کنیم که انتساب مفهوم «دورویی ایرانیان» با چه روش‌هایی صورت گرفته است؟ با مطالعه متون این دوره، درمی‌یابیم که برخی نویسندگان موردنظر چگونه به این نتیجه رسیدند که ایرانیان مردمانی دورو هستند. در این پژوهش، با روش تحلیل محتوای کیفی، بخش‌هایی از متونی چون سفرنامه‌ها، گزارش‌ها، خلیقات‌نویسی‌ها و متونی که از دوران صفوی تا پهلوی ایرانیان را با صفت «دورویی» وصف کرده‌اند، تحلیل شده است و راهبرد نویسندگان در نسبت با مقوله‌های ادوارد سعیدی مشخص شده است. در این پژوهش، با تمرکز بر راهبردهای نویسندگان در انتساب صفت «دورویی» متونی را بررسی کرده‌ایم که به دورویی ایرانیان اشاره کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد همان گفتمان و راهبردهای غالب که سعید در دانش شرق‌شناسی غرب تشخیص داده بود، در اینجا نیز حاکم بوده است؛ یعنی «نبود ارتباط با واقعیت» و «استمرار به‌کارگیری راهبردهایی که دغدغه برقراری ارتباط با واقعیت را ندارند». در متون بررسی شده در این پژوهش، بیشتر از راهبردهای مفروض‌گرفتن و بیش‌تعمیم برای انتساب دورویی به ایرانیان استفاده شده است. برخی از نویسندگان به «دورویی دولتیان» اشاره کرده‌اند، آن را مذمت نموده‌اند و صفت بارز طبقه حاکم تلقی کرده‌اند. تعدادی دیگر از نویسندگان این دورویی در طبقه حاکم را به «کل ایرانیان» تعمیم داده‌اند. تعدادی از سفرنامه‌نویسان پس از مشاهده تملق و دورویی مردم زیردست در مقابل اربابان قدرت، بدون در نظر گرفتن شرایط ارباب و رعیتی حاکم بر جامعه ایران و اقتضات آن، «تمام مردم ایران» را دورو و متملق خوانده‌اند. برخی نویسندگان نیز مانند شاردن و دو گوبینو با راهبرد «بیش‌تعمیم‌دهی و یکپارچه‌سازی» با دیدن یک یا دو مورد ویژگی اخلاقی آن را به «تمامی ایرانیان» نسبت داده‌اند.

واژگان کلیدی: دورویی، منش ملی، خلیقات، شرق‌شناسی.

۱ استادیار گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی armin.amir@atu.ac.ir

۲ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) Fouladiyan@um.ac.ir

۳ کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، jamshidi.psy@mail.um.ac.ir

۴ کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد Sarashad\_sky@yahoo.com

۵ کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد selmaranjbari@yahoo.com

۶ کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد moradi.arezoo511@yahoo.com

۷ کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد niloz.luminous@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسئله

سیاحت و سفر از ادوار کهن جزو مهم‌ترین خواستها و تمایلات انسان‌ها و از راه‌های اولیه شناخت ملل و اقوام دیگر و تبادل و تعامل فرهنگ‌ها بوده است. سیاحان بنا به مقاصد و اهداف گوناگون خود اعم از تجارت، تحقیق و کسب معرفت، انجام مأموریت دولتی یا ارضای حس کنجکاوی، زمانی که هنوز سرزمین‌های زیادی برای جهانیان ناشناخته بود، سفر می‌کردند. ایران یکی از کشورهایی است که پس از مدرنیته، به دلیل قدمت تمدنی، تنوع فرهنگی، جاذبه تجاری و سودآوری اقتصادی، موقعیت ارتباطی با سایر مناطق دنیا، دارای اهمیت سیاسی در مناسبات و رقابت بین قدرت‌های بزرگ مانند امپراتوری عثمانی، دول اروپایی و روسیه تزاری مقصد سیاحان بوده است. اهمیت این سیاحت‌ها در عصر صفویه - که یکی از ادوار مهم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی ایران است - دوچندان شد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت موج ورود سیاحان در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی موجب شد تا در اروپا نهضت شناخت ایران شکل بگیرد (شیبانی، ۱۳۸۴: ۲۶ - ۲۱).

شیبانی با تحقیق در مورد پویایی‌های مفهوم شرق و سپس، موضوعیت یافتن شناخت ایران برای غربی‌ها، آغاز تاریخ شناخت ایران برای غرب در دوران مدرن را بین سالیان ۱۶۶۰ تا ۱۶۷۰ اعلام کرده است. به باور وی، «این تاریخ به‌عینه همان دورانی است که انتشار سفرنامه‌ها به حداکثر خود رسید و به‌طور متوسط در هر ده سال، بیست‌وپنج اثر در این زمینه منتشر گردید. این تاریخ با دورانی که مارتینو<sup>۱</sup> به‌عنوان مبدأ عصر شناخت آسیا برگزیده است، یعنی سال ۱۶۶۰ و نیز تاریخ مورد انتظار پائول هازارد<sup>۲</sup> به‌عنوان سرآغاز بحران وجدان اروپاییان، یعنی ۱۷۱۵ - ۱۶۷۰ مصادف است. این سنوات بسیار فصیح و گویاست و اهمیت ایران را در زمینه شناخت آسیا و طنین قابل‌ملاحظه‌ای که مفاهیم ایرانی در تحول فکری فرانسویان دارند، از پیش محسوس گردانید» (شیبانی، ۱۳۸۴: ۹).

بسیاری از سیاحان پس از بازگشت به کشورهای خویش خاطرات سفر خود را در قالب سفرنامه می‌نگاشتند. سفرنامه پیامی متقابل است که نویسنده خارجی از طریق آن، از یک سو به هموطنان و هم‌زبانان خود آگاهی و اطلاع می‌دهد و از سوی دیگر، کشور میزبان را از دیدگاه دیگران درباره خود آگاه می‌کند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ۱۲)؛ البته سفرنامه‌ها تنها منعکس‌کننده دیدگاه سفرنامه‌نویس درباره یک ملت نیستند، بلکه بسته به میزان شهرت و نفوذی که پیدا

1 Martino

2 Paul Hazard

می‌کنند، می‌توانند در روابط بین ملت‌ها و برخورد سایر ملل با آن ملت نیز تأثیرگذار باشند. در این مقوله، سفرنامه‌های دوران گذشته، جایگاه رسانه‌های امروزی را داشته‌اند که تصویری از یک ملت را بین ملت‌های دیگر منتشر می‌کردند و این بخش عمده شناختی بود که ملت‌های دیگر از کشور یادشده به‌دست می‌آوردند. گویارد<sup>۱</sup> ادبیات تطبیقی را نوعی روانکاوی ملت‌ها می‌داند که قضاوت ملت‌ها دربارهٔ یکدیگر را بازگو می‌کند (گویارد، ۱۳۷۴: ۴۱).

از دیدگاه بیشتر سفرنامه‌نویسان، دیپلمات‌ها، بازرگانان و دیگر غربی‌هایی که با انگیزه‌های متفاوت به ایران آمده بودند، دورویی (ظاهرسازی) از جمله ویژگی‌های عام فرهنگی و رایج ایرانیان شمرده شده است؛ به‌طوری که کرویس<sup>۲</sup> در سفرنامه خود بر وجود این صفت در بین درباریان و نزدیکان شاهان تأکید دارد، اما با تعمیم آن به همهٔ ایرانیان می‌نویسد:

«تمام کارهایی که در این کشور انجام می‌گیرد، خدعه و فریب متقابل است و در این دربارهای شرقی، همه چیز زُست و تظاهر و پر از زرنگی و ترفند است» (کرویس، به نقل از ویشارد<sup>۳</sup>، ۱۳۶۳: ۱۹۶-۱۹۴).

کمپفر<sup>۴</sup> (۱۳۶۳) با بزرگ‌نمایی صفت ناپسند فریبکاری ایرانیان که حتی آن را در وسعت جهانی مطرح می‌کند، می‌نویسد:

«چیزی که نزد ایرانیان بیش از همه موجب ملامت و نفرت است، چاپلوسی و چرب‌زبانی‌های مصنوعی است. آنها با این کار، هدف و نیت خود را از دید طرف مقابل پنهان می‌سازند؛ زیرا، اینها در هنر انکار و فریبکاری از هر قوم و ملت دیگری در روی زمین ماهرترند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۱۲-۳۰۱).

سیئولینیو<sup>۵</sup> در کتاب «چهرهٔ فرآر ایران» می‌گوید:

«بیشتر ایرانی‌هایی که دیدم، زمانی که چیزی را کتمان یا کارشکنی می‌کردند تلاش می‌کردند دست‌کم مؤدب باشند. برخی ترجیح می‌دادند به‌جای صریح‌بودن و آشکارکردن همهٔ حقیقت، داستان‌سرایی کنند» (سیئولینیو، ۲۰۰۰: ۳).

بنابراین، دورویی<sup>۶</sup> یکی از صفاتی است که در سفرنامه‌ها در مورد مردم ایران، فراوان به‌کار رفته است. لازم است در معنای این صفت تأمل کنیم. در فرهنگ عامه، دورویی یعنی برزبان آوردن حرفی و انجام عملی که در دل و ذهن، مخالف آن مد نظر است. افراد، گاهی با هدف

1 Guiard  
2 Cruise  
3 Wishard  
4 Kaempfer  
5 Sciolinio  
6 Sociolino  
7 hypocrisy

اینکه نیت اصلی‌شان را از مخاطب مخفی کنند یا حتی مخاطب را راضی نگه دارند و خوشنودش کنند، سخنی بر زبان می‌آورند یا عملی انجام می‌دهند که در اصل، در تعارض با نیت و سخن باطنی آنهاست. در لغت‌نامه دهخدا ذیل واژه «دورویی» چنین آمده است: نفاق ورزیدن، منافق‌شدن، تزویر، ریا و دورنگی نمودن. مخالفت ظاهر و باطن. منافق یا دورو یا دوچهره کسی است که در آشکار دعوی مسلمانی و ایمان کند و در نهان کفر می‌ورزد (دهخدا، ۱۳۴۲: ۹۸۷۶). در فرهنگ عمید (۱۳۸۹) دورویی به دو شکل تعبیر شده است: ۱ - دورو بودن، نفاق، تزویر، دورنگی؛ ۲ - تظاهر به دوستی و پنهان‌داشتن کینه و دشمنی. مترادف‌های «دورویی» واژگان تزویر، ریا، سالوس، ظاهر‌نمایی، مزوری، منافقت و ناسازگاری هستند. در دل «دورویی» معنایی از فریبکاری نهفته است و معادل عربی دورویی را می‌توان مکر دانست. با توجه به این توضیحات، در این مقاله، تمام صفات یا توصیفاتی را که معنای مخالف ظاهر و باطن دارند، به‌عنوان مفهوم «دورویی» در نظر گرفته‌ایم.

خلقیات‌نویسان ایرانی پس از انقلاب، بارها دورویی را در معنایی که ذکر کردیم، اما با واژگان متفاوت، به‌عنوان ویژگی ایرانیان ذکر کرده‌اند (نراقی، ۱۳۸۶، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، الف، ۱۳۹۳ ب؛ ایزدی ۱۳۶۹، ۱۳۹۱؛ قاضی‌مرادی ۱۳۸۹، ۱۳۹۳؛ سریع‌القلم، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳). جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۰) در مطالعه عوامل و پیامدهای مدارا در خانواده‌های شهر شیراز، «دورویی» را با دروغ مشابه گرفته‌اند و تأثیر مدارا بر رواج دورویی را در خانواده‌های شیرازی سنجیده‌اند. فرضیه آنها این بود که بین میزان مدارا و میزان رواج دورویی در خانواده رابطه وجود دارد. براساس نتایج مطالعه آنها، در خانواده‌هایی که مدارای کمتری مشاهده شد، میزان رواج دروغ بیشتر بوده است.

حال، پرسش اصلی ما در پژوهش حاضر، این است که نویسندگان متونی که ایرانیان را دورو خوانده‌اند، چگونه نظر خود را به مخاطب منتقل کرده‌اند؟ با توجه به بازه‌ای که برای پژوهش انتخاب کرده‌ایم، یعنی از صفویه تا پهلوی، به‌خوبی می‌دانیم نمی‌توان از نویسندگان متون این دوره انتظار داشت با روش‌های آماری امروزی - که تعمیم یک ویژگی را به یک گروه، معتبر و ممکن می‌کنند - به دورویی به‌عنوان یک صفت ملی در میان ایرانیان پی برده باشند و با استدلال‌های مقبول در همان روش‌ها نیز یافته خود را برای مخاطبان‌شان شرح دهند و پذیرفتنی کنند؛ بنابراین، باید این سؤال را مطرح کنیم که انتقال مفهوم «دورویی» با چه روش‌هایی صورت گرفته است؟ با مطالعه متون این دوره، درمی‌یابیم که برخی نویسندگان موردنظر چگونه به این نتیجه رسیدند که ایرانیان مردمانی دورو هستند.

## چارچوب مفهومی

### تعریف منش ملی و مصداق‌های آن

دورویی و سایر ویژگی‌هایی که در سفرنامه‌ها و متون دیگر به یک ملت نسبت داده می‌شوند، ذیل مفهوم منش ملی<sup>۱</sup> قرار می‌گیرند، اما منش ملی به ویژگی‌های اخلاقی محدود نمی‌شود. ترهون<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) اجزا و مفاهیم منش ملی را به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

- ۱ - مؤلفه‌های تحلیلی<sup>۳</sup>: ویژگی‌هایی هستند که با انجام برخی عملیات ریاضی روی برخی ویژگی‌های هر فرد مجزا به دست می‌آیند؛ مانند شخصیت هنجاری که به پرتکرارترین الگو یا الگوها در توزیع آماری ویژگی‌های خاص یا سنخ‌های شخصیتی درون یک ملت اشاره دارد؛
- ۲ - مؤلفه‌های ساختاری<sup>۴</sup>: این مؤلفه‌ها بیشتر سازه‌های فرضی‌اند که با ساخت نمونه‌های آرمانی شکل می‌گیرند؛ بر خلاف مؤلفه‌های تحلیلی که از سنجش‌های آماری حاصل می‌شوند؛
- ۳ - مؤلفه‌های کلی<sup>۵</sup>: این مؤلفه‌ها نه براساس اطلاعاتی درباره ویژگی‌های افراد، بلکه براساس برون‌دادهای یک جماعت تعریف می‌شوند؛ مانند نرخ موالید و تولید ناخالص ملی.

بنابراین، می‌توان منش ملی را جمع تمام این دلالت‌ها و مطالعات منش ملی را هر مطالعه‌ای تعریف کرد که در جست‌وجوی یافتن یا نسبت‌دادن سنخ‌های شخصیتی، نظام باورها و ارزش‌ها، نیازها و سازوکارهای دفاعی، ویژگی‌های مرکزی و برون‌دادهای اجتماعی به تمام یا اغلب اعضای یک ملت است (امیر، ۱۳۹۶: ۱۸)؛ البته تأثیرگذاری جمال‌زاده (۱۳۷۱) که national character را به «خلقیات» ترجمه کرد، موجب شد مطالعاتی که با عنوان این اصطلاح در ایران انجام شدند، national character را در معنای سوم نادیده بگیرند و ویژگی‌های اخلاقی و ویژگی‌های به‌اصطلاح مساعد یا مانع توسعه را با عنوان «خلقیات ایرانیان» بررسی کنند.

### رابطه تصویر و واقعیت

پس از ارائه تلقی‌ای از مفهوم منش ملی، نوبت آن است که رویکرد خود در این مقاله، را توضیح دهیم. این رویکرد از رویکرد ادوارد سعید<sup>۶</sup> در شرق‌شناسی (۱۹۹۴) برگرفته شده است. نقطه تمرکز سعید در آن کتاب، رابطه تصویر و واقعیت است. پرسش وی این است که توصیف شرق

1 national character

2 Terhune

3 analytic properties

4 structural properties

5 global properties

6. Edward Said

شناسان از شرق چه نسبت و رابطه‌ای با واقعیت شرق برقرار کرده است؟ پاسخ سعید این است که شرقِ توصیفیِ شرق‌شناسان، شرقی تخیلی و برساختی است که رونوشت‌برداری از تصورات پیشین یا جعل شرقی جدید در راستای نیازها، نیات و منافع غرب بوده است. خلاصه اینکه، دانش شرق‌شناسی، ارتباطی با واقعیت شرق ندارد.

پرسی که سعید مطرح کرده است، در پژوهش حاضر، بدین صورت برگردان می‌شود: توصیف ایرانیان به‌عنوان «دورو» در آثار سفرنامه‌نویسانی که ایرانیان را دورو خوانده‌اند، بر چه اساسی بوده و چه نسبتی با واقعیت برقرار کرده است؟

برای تشخیص راهبردهای توصیف و تبیین دورویی ایرانیان برای مخاطب، در متونی که این صفت را در مورد ایرانیان صادق دانسته‌اند، مقوله‌بندی آرمین امیر (۱۳۹۶) از تبارشناسی ادوارد سعیدی در کتاب شرق‌شناسی را برگزیده‌ایم. سعید معتقد است که غرب دانش شرق‌شناسی را براساس تقابل غرب نیک، توانا و متمدن با شرق پلید، عاجز و وحشی بنا نهاده است. به باور سعید، یکی دیگر از ویژگی‌های دانش شرق‌شناسی، ارتباط‌نداشتن آن با واقعیت شرق است؛ یعنی شرق‌شناسان یا شرق جدیدی براساس دلخواست‌های خود ایجاد می‌کنند یا همان تصاویری را که شرق‌شناسان پیشین ارائه کرده بودند، بدون مقابله با واقعیت، به حال و آینده منتقل می‌کنند. ما نیز با استفاده از مقوله‌های ادوارد سعیدی، در پی فهم راهبردهای نویسندگان خارجی و ایرانی در برقراری نسبت بین واقعیت زندگی ایرانی و توصیفاتی هستیم که از آن ارائه شده است. آرمین امیر مقوله‌هایی را به‌عنوان راهبردهای دانش شرق‌شناسی در توصیف و برساخت شرق از «شرق‌شناسی» استخراج کرده است؛ به‌گونه‌ای که هدف این شرق‌شناسان و پیروان آنها در بیرون از حوزه دانش بود. تعاریف این مقوله‌ها عبارت‌اند از: فراگیری: عبارت است از بیان گزاره‌هایی توسط مؤلف که از دل مفروضات او حاصل نمی‌شوند، بلکه حاصل بسط دامنه بحث به موضوعاتی است که مؤلف میل دارد درباره آنها نظر پراکنی کند؛

تمایز: تمایز، راهبردی است برای خط‌کشی بین ما و دیگران که شامل قطبی‌کردن خصوصیات ما یا آنها می‌شود. در شرق‌شناسی متعارف و خودشرق‌شناسی، این تمایز غالباً دیگری‌محور است؛ یعنی ما ضعیف هستیم و دیگری قوی است، ما ناتوانیم و او تواناست؛

بیش‌تعمیم نوع اول: هرگاه مؤلف از شعر یا مثالی یک ویژگی منش ملی را استخراج کند، دچار بیش‌تعمیم نوع اول شده است؛

بیش‌تعمیم نوع دوم: ذیل این اصطلاح، سه رویکرد یکپارچه‌سازی، ثبوت و استمرار جای می‌گیرند. یکپارچه‌سازی، یعنی همگن‌دانستن و همگن‌کردن شرق یا ایرانی؛ اینکه مؤلف تنوعات درونی از جمله قومیت، جغرافیا، جنسیت و... را در نظر نگیرد و موضوع خود را ذیل برجسی جمع کند که با تنوعاتی که از آن موضوع سراغ داریم، در عمل مجاز نیست. ثبوت یعنی مؤلف به سکون درازمدت ویژگی‌هایی از منش ملی ایرانیان قائل است و پویایی منش ملی را باور ندارد. ثبوت، همان نگاه ایستاست. استمرار یعنی بر خلاف تغییرات روی‌داده در جنبه‌های مهم، همچنان ویژگی‌های خاصی استمرار یافته‌اند. همواره تفکیک بین راهبردهای ثبوت و استمرار قطعی نیست و بیشتر به لحن مؤلف بستگی دارد که از ثبوت صحبت کرده است یا موضوع را به‌گونه‌ای مطرح کرده است که واژه استمرار برای توصیف آن مناسب‌تر است؛

اغراق نوع اول: دانش شرق‌شناسی شرقی‌ها را فاقد تمام صفات مثبت نمی‌دانسته است، بلکه ویژگی‌هایی مثبت از شرقی‌ها نیز تصویر می‌کرده است، اما از نظر سعید، این ویژگی‌ها، ویژگی‌های پیش‌یافتاده‌ای بودند. اغراق نوع اول عبارت است از اغراق در ارائه تصاویر منفی و ایجاز در ارائه تصاویر مثبت؛ یعنی تصاویر منفی با مبالغه بیان می‌شوند، اما مؤلف از کنار تصاویر مثبت به ایجاز گذر می‌کند؛

اغراق نوع دوم: وقتی مؤلف، عامدانه یا غیرعامدانه واقعیت‌هایی را که ناقض تصاویر موردنظرش است، نادیده می‌گیرد، دچار اغراق نوع دوم شده است؛ برای مثال، نویسنده‌ای که بگوید ایرانی‌ها هرگز به تغییر سرنوشت خود تمایلی نداشته‌اند، انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی را نادیده گرفته است. اگر مؤلف گزاره‌هایی را که پیش‌تر توسط خود وی به‌عنوان واقعیت ارائه شده‌اند، نقض کند نیز مرتکب اغراق نوع دوم می‌شود.

با در نظر گرفتن این راهبردها به‌عنوان راهبردهای احتمالی به‌کاررفته در سفرنامه‌ها برای انتساب «دورویی» به ایرانیان، در عمل، نحوه پیوند تصویر با واقعیت را آزمون کرده‌ایم. منظور از نحوه پیوند تصاویر با واقعیت، فرایندی است که مؤلف طی آن به این باور رسیده است که یک ویژگی خاص در تمام یا بیشتر ملت ایران وجود دارد.

در این پژوهش، راهبردهای گوناگون مؤلفان متفاوت را برای کشف دورویی به‌عنوان یک ویژگی منش ملی و انتساب آن به ایرانیان را بررسی می‌کنیم و درباره اعتبار این راهبردها بحث می‌کنیم. دیگر اصطلاحات برگرفته از ادوارد سعید که از آنها استفاده کرده‌ایم، عبارتند از:

ارجاعات: عبارت است از کتاب‌ها یا نویسندگانی که مؤلف اصلی به آنها در یکی از موضوعات مورد توجه ما ارجاع داده است؛ مثلاً نقل یک ویژگی منش ملی یا گرفتن مفروضات خود از آنها. در این راهبرد، مبنای انتساب دورویی، نقل قول از دیگری است؛ مفروضات: در این پژوهش، منظور ما از مفروضات هر گزاره‌ای است که به‌عنوان واقعیت ارائه شده است. آنچه ما ذیل مفهوم مفروضات جای داده‌ایم، دربرگیرنده طیف وسیعی است؛ از مفروضات نظری مؤلف که ممکن است از هر جایی گرفته شده باشند تا آنچه وی در مورد تاریخ ایران و رفتار ایرانیان واقعی محسوب می‌کند. در این راهبرد، دورویی بدون استدلال و ارجاع نسبت داده شده است و در واقع، مفروض است؛

خوانش‌های بدیل: منظور از خوانش‌های بدیل این است که خوانش قوی یک متن از منش ملی ایرانیان خوانشی خودشرق‌شناسانه باشد. ما گزاره‌هایی از متن را که خوانشی برخلاف خوانش قوی متن عرضه می‌کنند، ذیل عنوان خوانش‌های بدیل گرد آورده‌ایم و بررسی می‌کنیم آیا مفروضات مؤلف به آن خوانش اجازه می‌دهد که بتواند به خوانشی غالب تبدیل شود یا خیر؟ در نهایت اینکه، تفکیک گزاره‌های استخراج شده از یک متن در قالب مقولات ذکر شده، به هیچ‌وجه تفکیکی منحصربه‌فرد نیست و نخواهد بود. گاهی یک گزاره، دارای دو یا چند راهبرد است؛ مثلاً هم فراگیری، هم اغراق نوع اول و هم ثبوت و می‌توان آن را ذیل بیش از یک مقوله جای داد. اولویت نخست ما این است که گزاره‌ها را برحسب نزدیکی بیشتر به مقولات دسته بندی کنیم؛ یعنی بررسی کنیم در یک گزاره، کدام راهبرد برجسته‌تر است. اولویت بعدی ما، فهم فضای ذهنی مؤلف و انتقال این فهم به مخاطب خودمان بوده است؛ یعنی از بین مقولات متفاوتی که می‌شد یک گزاره را در آنها جای بدهیم، کدام مقوله مخاطب ما را به فهم‌مان از مؤلف نزدیک‌تر می‌کند.

## روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. با این روش، بخش‌هایی از متونی چون سفرنامه‌ها، گزارش‌ها، خلیات‌نویسی‌ها و به‌طور کلی، متونی که از دوران صفوی تا پهلوی ایرانیان را به صفت «دورویی» (با تعریف و مشتقاتی که در تعریف دهخدا ذکر کردیم) توصیف کرده‌اند، تحلیل شده‌اند و راهبرد نویسندگان در رابطه با مقولات ادوارد سعیدی که پیش‌تر گفتیم، مشخص شده است. مسلم است هیچ پژوهنده‌ای نمی‌تواند مدعی شود تمام



موارد انتساب دورویی به ایرانیان را در این دوره تاریخی مشاهده و تحلیل کرده است. برای نمونه‌گیری، کتاب «خلقیات ما ایرانیان» اثر محمدعلی جمال‌زاده (۱۳۷۱) را مینا قرار دادیم؛ با این فرض که وی مؤثرترین اقوالی را که در مورد ایرانیان وجود داشته، گردآوری کرده است. در عمل هم چنین بوده است؛ زیرا، پژوهش امیر (۱۳۹۶) نشان می‌دهد آثاری را که جمال‌زاده در کتابش نقل کرده است، تا همین امروز نیز مهم‌ترین منابع در ذکر خلیقات ایرانیان بوده‌اند و کتاب جمال‌زاده به آینه سفرنامه‌ها و دیگر متون نویسندگان خارجی از خلیقات ایرانیان تبدیل شده است؛ به طوری که نویسندگان پس از جمال‌زاده به طور عمده از او نقل قول کرده‌اند و به متون اصلی رجوع نکرده‌اند. پس از یافتن انتساب دورویی به ایرانیان توسط یک نویسنده در کتاب جمال‌زاده (۱۳۷۱)، به اصل اثر مراجعه کردیم. جملات متن را تمام‌شماری کردیم تا بتوانیم تحلیل کنیم مبنای دورو دانستن ایرانیان توسط آن نویسنده و روش انتقال این فهم به مخاطب چگونه بوده است.

این روش بررسی تبارشناسانه نیز برگرفته از سعید (۱۹۹۴) است. امیر (۱۳۹۶) در مطالعه‌اش از دوران حاضر تا جمال‌زاده، از همین روش استفاده کرده است. در پژوهش حاضر، نیز همان مسیر در پیش گرفته شده است؛ یعنی به شیوه امیر و مقوله‌های مشخص شده توسط او، متونی که جمال‌زاده (۱۳۷۱) از دوران پهلوی تا صفوی به آنها ارجاع داده است، بررسی شده است. در این پژوهش، برای نخستین بار، راهبردهای این متون را در انتساب دورویی به ایرانیان موشکافی می‌کنیم. اهمیت این نمونه‌گیری در آن است که ایران یکی از مناطقی است که ادوارد سعید در کتابش پوشش نداده است. او هر دو سمت ایران یعنی هند و اعراب را بررسی کرده است، اما ایران در کتاب او حضوری درخور شأن اهمیت تاریخی‌اش نیافته است؛ بدین ترتیب، نظریه سعید در مورد دانش شرق‌شناسی را درباره انتساب دورویی به ایرانیان آزمون می‌کنیم.

## یافته‌های پژوهش

در این قسمت، یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود و درباره آنها توضیح می‌دهیم.

### ۱- عارف قزوینی

ابوالقاسم عارف قزوینی در سال ۱۲۵۹ هجری شمسی در قزوین متولد شد. وی شاعر و تصنیف ساز اهل ایران است. تحصیلات قدیم را در زادگاهش فراگرفت و پس از آن به هنر خوشنویسی و موسیقی پرداخت. فن موسیقی را نزد حاجی صادق خرازی آموخت (نوابی، ۱۳۷۹: ۱۲۹). به‌زودی

در موسیقی مهارت یافت و به دنبال آن در ترانه‌سازی سرآمد معاصران خود شد. از بیست سالگی به سرودن شعر، بیشتر از نوع غزل روی آورد. در ۱۳۱۶ هجری قمری در ۱۷ سالگی به تهران آمد (الرحمن، ۱۳۷۸: ۵۲). در این شهر، با بزرگان دربار قاجار آشنا شد و اشعارش را با صدای خوش و گرم خود در مجالس آنان می‌خواند. پس از اینکه به شهرت رسید، مظفرالدین‌شاه وی را نزد خود طلبید و به جرگهٔ خادمان دربار درآورد (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۱۴۸). در آغاز نهضت مشروطیت به مشروطه‌خواهان پیوست و هنر خود را در خدمت آزادی و حمایت از تودهٔ مردم مظلوم ایران به کار گرفت و با اجرای سروده‌های ملی، زبانزد خاص و عام شد (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۹۶).

جدول ۱- نوع راهبرد به‌کاررفته در کتاب عارف قزوینی

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهبرد
عارف قزوینی	دیوان اشعار، قصیدهٔ «علیجان»، صفحهٔ ۲۷، سال ۱۳۴۰	با که توان گفت درد خویش درین ملک وز که توان بود امیدوار، علیجان؟ شاه و وزیر و وکیل و حاکم و محکوم رشوه بگیرند و رشوه‌خوار علیجان عالم و جاهل به یک ردیف در انظار خادم و خائن به یک قطار، علیجان ملت وجدان‌کش و زبون و ریاکار باربر غیر و بردبار، علیجان	مفروضات

اشعار عارف معمولاً انتقادی هستند و بیانگر سخنان تندى دربارهٔ حکومت وقت و به خصوص انقلاب مشروطه و به بیراهه‌رفتن آن هستند، اما در این ابیات، اثری از ارائهٔ دلایل محکم برای انتقادها و نسبت‌دادن صفات منفی به افراد حکومت و گاهی تمامی مردم ایران نمی‌بینیم. عارف در قصیدهٔ «هیئت کابینهٔ تکیهٔ دولت» بزرگان و افراد در رأس قدرت را نقد می‌کند و از دورویی آنها سخن می‌گوید. همچنین، در قصیدهٔ «علیجان» عارف به نقد نمایندگان مجلس مشروطه می‌پردازد و دورویی و دروغ‌گویی آنها را مذمت می‌کند. دورویی ایرانیان در مصرع «ملت وجدان‌کش و زبون و ریاکار» مفروض گرفته شده است و در بقیهٔ اثر نیز شواهد بیشتری ارائه نشده است.

## ۲- زین‌العابدین مراغه‌ای

زین‌العابدین در سال ۱۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمد. کتاب «سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌بیک» در اواخر سلطنت و حیات ناصرالدین‌شاه چاپ و منتشر شد که اولین سال چاپ آن حدود ۱۳۱۲

هجری قمری یا ۱۲۷۴ هجری شمسی است. این کتاب تأثیر زیادی بر آگاهی اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در آستانه جنبش مشروطه ایران داشته است. مراغه‌ای در کتاب خود به اتصال رویدادها از راه سفر می‌پردازد. ساختار سفرنامه‌های این رمان نشان‌دهنده رشد روحیه جست‌وجوگری نویسنده ایرانی و تلاش برای دستیابی به هویت ملی است. در واقع، مراغه‌ای می‌خواهد از این طریق به گوشه و کنار ایران سر بزند و شیوه زندگی گروه‌های گوناگون جامعه را گزارش بدهد. این سیاحت‌نامه انتقاد همه‌جانبه‌ای از جامعه ایران است که سیاست، اقتصاد، تعلیمات، اخلاق، اعتقادات و تقریباً همه متعلقات آن دوره را دربر گرفته است. مهم‌ترین جنبه تفکر نویسنده، تفکر فکری و ایدئولوژی تازه اوست که از امور گذشته مأنوس با آنها روی گردانده و به ارزش‌های مترقی روی آورده است.

مراغه‌ای در سیاحت‌نامه خود مطالبی درباره دورویی ایرانیان بیان کرده است. وی برای تفهیم این موضوع و تأکید بر آن، در مواردی از اشعار و مثل‌ها استفاده کرده است تا به جای گیری مفهوم در ذهن مخاطب کمک بیشتری نماید؛ برای مثال، در جلد اول کتابش چنین نوشته است:

«چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند» (مراغه‌ای، ۱۳۲۵: ۱۳۲). در جلد دوم نیز ارتباطات درباریان و امرا یا افرادی را که در پی مقام و منزلت هستند و به دنبال آن به مجیزگویی و چاپلوسی در هنگام رویارویی می‌پردازند، با تعمیمی غیرمجاز به تمام مردم ایران نسبت می‌دهد (مراغه‌ای، ۱۳۲۵: ۲۳۰ - ۲۲۹).

جدول ۲- نوع راهبردهای به‌کاررفته در کتاب زین‌العابدین مراغه‌ای

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهبرد
زین العابدین مراغه‌ای	سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، سال ۱۳۲۵، جلد اول، صفحه ۱۳۲	خود در بیرون خانه‌اش با هرکس که باشد، جز نان جوین و سرکه هیچ چیز نمی‌خورد، اما در حرم‌خانه انواع نعمت‌ها به کار می‌رود. آری چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند.	بیش تعمیم نوع اول
زین العابدین مراغه‌ای	همان، جلد اول، صفحه ۱۷۹	اجمال سیاحت تبریز: مردم این شهر غالباً خودپسند، گرفتار تجمل و همه مستعد نفاق هستند.	بیش تعمیم نوع دوم: یکپارچه سازی

ادامه جدول ۲- نوع راهبردهای به کاررفته در کتاب زین العابدین مراغه‌ای

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهبرد
زین العابدین مراغه‌ای	همان، جلد دوم، صفحه ۶۳	آنچه از جمال و جبروت اهل تبریز بگویم کم گفته‌ام، اما انفاق و محبت در ایشان مفقود و نفاق و عداوت زیاد است.	اغراق نوع اول
زین العابدین مراغه‌ای	همان، جلد دوم، صفحه ۱۸۸	آیه درستکاری و صداقت در شأن هیچ‌یک از آنها نازل نشده؛ کسانی که شبان دراز چراغ خود را فروخته و غیبت صدراعظم کرده و لعنت بر او خواندند، امروز او را سجده کرده و زمین ادبش می‌بوسند. عجب عالمی داریم و ما عجب ملتی هستیم که نه در قول خود ثبات و نه در فعل خویش استقامت داریم. در هر بد و نیک شتابان، ولی در اجرای آن ابداً فعلی بروز نمی‌کند.	بیش‌تعمیم نوع دوم: یکپارچه سازی
زین العابدین مراغه‌ای	همان، جلد دوم، صفحات ۲۳۰ - ۲۲۹	از صاحب دستار اگر سخن گفته شود مانند کلام منزل در دل عوام نقش بندد و بیچاره چون قوه ممیزه ندارد که نیک را از بد تمیز دهد و حق را از باطل شناسد و اگر کسی عالم ربانی و فاضل باشد، ولی عمومه نگذارد و آستین پهن و گشاد نداشته باشد و سخنی از حدیث به میان آرد، همه تمسخر کنند و به ناهمپی و بی‌معرفتی‌اش نسبت دهند، اما اگر جلال عمومه بگذارد و به منبر شود و پی‌درپی صلوات فرستد، غلغله در مسجد افکند و در عوض مزخرفات باید بشنوند و حکما باید دستشان را هم ببوسند و پاپوششان را جفت کنند. از همه تمنای اطاعت دارند و اگر کسی ایرادی نماید او را کافر می‌نامند.	بیش‌تعمیم نوع دوم: یکپارچه سازی

۳- آرتور میلسپو

میلسپو<sup>۱</sup> در سال ۱۹۱۸ میلادی به‌عنوان مشاور تجاری وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا استخدام شد. وی به دعوت ایران در نوامبر ۱۹۲۲ وارد ایران شد و در اوت ۱۹۲۷ (اول خرداد ۱۳۰۶) ایران را ترک کرد. میلسپو به ایران آمد و بعد از برعهده‌گرفتن ریاست کل دارایی ایران، دربارهٔ مأموریت ثانوی خود این کتاب را نوشت. آرشیو مفصلی از مکاتبات میلسپو در سفارت قدیم آمریکا در ایران و وزارت امور خارجه آمریکا باقی مانده است. علاوه‌براین، گزارش‌های سه‌ماههٔ میلسپو دربارهٔ شرایط اقتصادی و مالی ایران در طول سال‌های ۱۹۲۷ -

۱۹۲۳ حاوی اطلاعات جامعی درباره شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران است. مهم‌ترین دلیل ناکام‌ماندن تلاش او برای اصلاح نظام دارایی و مالیاتی ایران، مخالفت‌های صریح دولت بریتانیا، شوروی و رضاخان بود.

جدول ۳- نوع راهبرد به‌کاررفته در کتاب آرتور میلسیو

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهبرد
آرتور میلسیو	پایان مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، سال ۱۳۰۳، سال چاپ ۱۳۵۷، صفحه ۵۲	اغلب ایرانیان به‌علت نزدیکی یا تظاهر به دوستی با یک سفارتخانه، با سفارتخانه‌های دیگر ابراز دشمنی می‌کردند.	بیش‌تعمیم نوع دوم: یکپارچه سازی

آرتور میلسیو که در سال ۱۳۲۱ با دعوت دولت ایران به‌منظور سامان‌دادن به وضعیت آشفته اقتصاد وارد ایران شد، بر این باور بود که برای تعادل بودجه و مبارزه با تورم باید بر درآمد کسانی که سودهای هنگفت می‌برند، مالیات فراوان وضع کرد. هدف دیگر وی این بود که دریافت مالیات عادلانه انجام شود. درحالی‌که متن کتاب بیشتر به مسائل سیاسی و مالی کشور پرداخته است، نکات ذکرشده درباره خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی ایرانیان نیز با این موارد آمیخته شده است. مانند صفحه ۵۲ کتاب که به‌صورت صریح دورویی برخی مسئولان را به همه مردم ایران نسبت داده است و در لابه‌لای روابط سفارتخانه‌ها مطرح کرده است. میلسیو با مشاهده خصوصیات طبقه درباری و روابط اداری کارکنان، این خصوصیات را به اغلب ایرانیان تعمیم داده است. این امر می‌تواند موضوع مهمی در ریشه‌یابی انتساب دورویی به ایرانیان باشد که ویژگی‌های یک طبقه یا گروه به‌عنوان خلیقات ملت ایران قلمداد شود؛ حتی با اینکه بیشتر این نویسندگان، ارتباط لازم با مناطق گوناگون جغرافیایی و اقشار متفاوت مردم نداشته‌اند که بتوانند از چیزی شبیه به صفت یا منش ملی صحبت کنند.

#### ۴- کارلا سرنا

مادام کارلا سرنا<sup>۱</sup> جهانگردی ایتالیایی در قرن نوزدهم بود که در زمان حکومت قاجار به ایران آمد. سفرنامه او درباره احوال، خلق‌و‌خو و آداب و رسوم ایرانیان است. قبل از سفر وی به ایران و نوشتن سفرنامه‌اش، ناصرالدین‌شاه با فرهنگ اروپایی آشنایی داشته است. ذکر این نکته کمک می‌کند تا دلیل تاب‌آوردن شاه را نسبت به انتقادات و بدگویی‌های سرنا در کتابش درک کنیم.

1 Carla Serena

جدول ۴- نوع راهبرد به کاررفته در کتاب کارلا سرنا

راهبرد	متن	نام کتاب	نام نویسنده
خوانش بدیل	زندگانی خارج از خانه ایرانیان از هر طبقه که باشند، جز ردوبدل دائمی تعارفات اغراق آمیز نیست. گذشته از این، مردم ایران به سبب خوگرگی به اطاعت محض در برابر فاتحان متعدد و خویشن داری بسیار، همواره در پنهان کردن افکار خود کوشا هستند. بی هیچ زحمتی می توان درک کرد که وقتی به اندرون خود وارد می شوند، چون در آنجا آزاد و بی مزاحم اند، به طبیعت واقعی می گرایند و فکر و سخن خود را در ظاهر فریبنده نمی پوشانند. پادشاهان ایران نیز همین حالت را دارند و ناصرالدین شاه نیز در این مورد، از دیگران مستثنی نیست. شاه را در هیچ جا بهتر از اندرونش نمی توان شناخت... در خانه، حتی ایرانیان بسیار اروپایی منش نیز به رسم و رسوم خویش باز می گردند. کسی که در حضور یک اروپایی بر صندلی دسته دار می نشیند و با چنگال غذا می خورد، در اندرون چمباتمه می زند و مانند پست ترین خدمه اش با دست غذا می خورد.	مردم و دیدنی های ایران، سال ۱۲۵۵ قمری، چاپ اول ۱۳۶۳، صص ۱۱۲ - ۱۱۳	کارلا سرنا

کارلا سرنا در کتاب «مردم و دیدنی های ایران» مشاهده های خود را به رشته تحریر درآورده است. دقت وی در تمام زوایا و آداب و رسوم و آیین ایرانیان مشهود است. در بخشی از کتاب، سرنا پنهان کاری و دورویی مردم را برخاسته از فضای سیاسی می داند و اینکه تفاوت ظاهر و باطن به خاطر رعایت ادب است. نحوه بیان سرنا به گونه ای است که به سختی می توان گفت وی ایرانیان را «دورو» خوانده است. برخی نویسندگان ایرانی چون قاضی مرادی (۱۳۹۱) در کتاب «در فضیلت مدنیت»، جملات سرنا را مصداق پنهان کاری ایرانیان تعبیر کرده اند. همان طور که ادوارد سعید نیز تبیین کرده بود و تبیین او برای پژوهش ما به منزله پیش بینی است، در سیطره گفتمان دانش شرق شناسی و تبعات آن، افرادی مانند کارلا سرنا یا تبیین های آنها در طول استمرار گفتمانی که شرق را توصیف می کنند، کم رنگ می شوند و پیرنگ اصلی نخواهند بود؛ همان طور که توصیف خلقیات ایرانیان توسط کسانی استمرار داشته است که توصیفات آنها در گفتمان شرق شناسی قرار می گیرد.

## ۵- یاکوب ادوارد پولاک

پولاک<sup>۱</sup> در سال ۱۸۱۸ متولد شد. وی از ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ در ایران زندگی کرد و از سال ۱۸۵۵ به بعد، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود. سفرنامه پولاک با عنوان ایران و ایرانیان که با درون مایه تبیین تاریخ مفصل فرهنگ و هنر ایران نوشته شده است، سهم بسزایی در زمینه شناخت آلمانی‌ها از ایران داشته است.

جدول ۵- نوع راهنبردهای به‌کاررفته در کتاب یاکوب ادوارد پولاک

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهنبرد
یاکوب ادوارد پولاک	سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، سال ۱۲۴۳ قمری، سال چاپ ۱۳۶۸، صفحه ۲۲۳	مطابق با حدیثی که پذیرفته‌شده ایرانی مجاز است هرگاه دید که بر اثر اعتراف به پایداری به تشیع دچار زیان می‌شود، آن را انکار کند (تقیه دین)... این امر در روابط خود ایرانی‌ها هم رواج یافته است. روبه‌رو در پای‌بندی به دین پاک گریبان چاک می‌دهند؛ درحالی‌که هرکدام از فریبکاری طرف مقابل اطمینان دارند... براساس اصل تقیه، هر ایرانی به خود حق می‌دهد برظاهر مؤمن باشد. علاوه‌براین، مصلحت‌اندیشی ایجاب می‌کند عقیده واقعی خود را بروز ندهد، مگر زمینه را به‌خوبی سنجیده باشد.	بیش تعمیم نوع اول و نوع دوم
یاکوب ادوارد پولاک	همان، صفحه ۲۳۰	به‌زحمت می‌توان یک ایرانی متدین را پیدا کرد که یک یا چند بار به زیارت کربلا نرفته باشد. هرچند علت مسافرت هم می‌تواند واقعی و هم ریاکارانه باشد.	بیش تعمیم نوع دوم
یاکوب ادوارد پولاک	همان، صفحه ۲۴۲	بابیان به دورترین ولایات گریخته‌اند و براساس قاعده تقیه که در این ملک رایج است، به انکار دین خود پرداخته‌اند.	مفروضه

پولاک در آغاز کتابش می‌گوید:

«در کتاب حاضر کوشش کرده‌ام از اخلاق و رفتار، آداب و طرز زندگی یکی از جالب‌توجه‌ترین ملل عالم تصویری به‌دست دهم. ملتی که افتخاراتش بیشتر زاده اعمال و اقداماتی است که در گذشته‌های دور انجام گرفته است، ولی هنوز گرفتار عوارض کهولت نشده، بلکه کاملاً لیاقت آن را دارد که باز در تاریخ فرهنگ و جهان آینده سهم بسزایی به‌عهده بگیرد. به‌خصوص زندگی در دربار شاه ایران را با تفصیل خاص وصف می‌کنم؛ زیرا، آداب و رسوم تمام ملت تا

اندازه‌های زیاد به پیروی از اوست و درعین حال، این سلسله که اصل و نسبی ترک و تاتار دارد، نتوانسته است خود را از تأثیر عنصر ایرانی برکنار نگاه دارد. از آن گذشته، برای تمام واردان به این کشور و مسافران اروپائی راهنمائی‌ها و اشاراتی دارم که در خوراک چه نکاتی را رعایت کنند و پرهیز از چه چیزها را لازم بشمرند؛ زیرا، دیده‌ام که چه بسیار از آنان در اثر جهل بدین نکات، به بیماری دچار آمده‌اند و پس از مدت کوتاهی مقهور آن شده‌اند؛ درحالی که با اندکی احتیاط می‌توانستند از این فرجام بگریزند».

این نقل قول نشان می‌دهد وی تا چه حد مستعد بیش‌تعمیم رفتار پادشاه به تمام ملت بوده است. پولاک در بخشی از توضیحات و مصداق‌های خود در مورد شناسایی خلق و خوی ایرانیان، با توجه به اعتقاد و اهمیت آنها به مذهب، از این موضوع بهره برده است و روایات و احادیث را با نظر و فکر خود تفسیر کرده است؛ این در حالی است که مذهب ریشه‌های بسیار عمیقی در بین این ملت دارد و آیین و دستورالعمل‌های ویژه خود را داراست که به‌سادگی و بدون علم و آگاهی نمی‌توان آنها را تفسیر کرد. افزون‌براین، معمولاً آنچه در بین مردم رایج است، به‌عینه همان صورت ظاهر روایات نیست، بلکه بسیار با عرف آمیخته است.

## ۶- آرتور دو گوبینو

ژوزف آرتور دو گوبینو<sup>۱</sup> (۱۸۸۲ - ۱۸۱۶) نویسنده، خاورشناس، شاعر، مورخ و سیاست‌مدار فرانسوی است. دو گوبینو در شهر ویل‌داوری از شهرهای فرانسه به دنیا آمد. وی در سال ۱۸۵۵ به‌همراه همسر و دخترش از طریق بندر بوشهر به ایران آمد و از طرف دربار استقبال با شکوهی از او شد. کتاب «سه سال در آسیا» سفرنامه او در زمان مظفردالدین‌شاه است. در این کتاب، به صورت واضح در مورد خوبی‌ها و بدی‌های ایرانی‌ها مطالبی نوشته شده است.

جدول ۶- نوع راهبردهای به‌کاررفته در کتاب آرتور دو گوبینو

راهبرد	متن	نام نویسنده
بیش‌تعمیم نوع دوم	در میان هر بیست ایرانی که چنین قیافه‌ای را به خود می‌گیرند آدر متن کتاب دو گوبینو به ایرانیان در زمان تلاوت قرآن اشاره می‌کند و می‌گوید فرد چنان قیافه‌ای به خود می‌گیرد که انگار یکی از مقدسین است [مشکل یک نفر را بتوان یافت که به آنچه می‌گوید واقعاً اعتقاد داشته باشد. چگونه تمام افراد این ملت به این تظاهر و ریاکاری عمومی کشانده شده که هیچ‌کس را نمی‌فریبند؟...]	سه سال در آسیا، سال ۱۲۳۷ قمری، سال چاپ ۱۳۶۷، صفحه ۲۸۹

1. Joseph Arthur de Gobineau



ادامه جدول ۶- نوع راهبردهای به‌کاررفته در کتاب آرتور دو گوبینو

راهبرد	متن	نام نویسنده	نام نویسنده
مفروضه	با وجود این همان‌طور که گفتم، مخالفان سرکوب شدند و در نتیجه مجبور گردیدند عقایدشان را پنهان کنند. از این هنگام کتمان و تقیه که تاکنون کم‌وبیش حفظ شده و به هر کس صلح و آرامش می‌بخشید، آغاز شد.	همان، صفحه ۲۹۲	آرتور دو گوبینو
تمایز	گمان نمی‌کنم هیچ‌یک از ملت‌های روی زمین مثل ایران برای دلالتی صلاحیت داشته باشد؛ چون دلالت باید زرنگ، موقع‌شناس، خوش صحبت، متملق، متقلب، پرحوصله و قدری روان‌شناس باشد و تمام این صفات در ایرانیان به‌خصوص در اصفهانی‌ها و شیرازی‌ها جمع شده است.	همان، صفحه ۳۶۷	آرتور دو گوبینو
اغراق نوع دوم	اخلاق آسیایی فقط آنچه را در نظر عموم آشکار است، موردسرنش قرار می‌دهد؛ نه کارهایی را که در پشت دیوارهای اندرون می‌گذرد.	همان، صفحه ۴۰۷	آرتور دو گوبینو

ریشه بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که دو گوبینو به ایرانیان نسبت داده است، گزاره‌هایی که از دل تفکر او بیرون آمده‌اند و مفروضات نوشته‌های او را فراهم کرده‌اند و در قسمت‌های مختلف متن نیز خود را نشان داده‌اند، ناشی از اعتقادش به اختلاط نژاد ایرانی و دورشدن از اصالت آریایی است. با این توضیحات، پرواضح است که مطالب ذکرشده در کتاب وی ملت ایران را دارای چه ویژگی‌ها و خصوصیتی می‌داند. این عقیده دو گوبینو در نظرش درباره ایرانیان به حدی تأثیر گذاشته است که در جایی وی بیان کرده است که ایرانیان خود را با ملت کهن فرانسه در یک سطح می‌دانند، ولی برپایه مفروضات خود این انتساب را از دورویی ایرانیان دانسته و بی‌صدافتی آنها را هشدار داده است (دو گوبینو، ۱۳۶۷: ۲۶۸). در جایی دیگر، او انتساب دورویی به ایرانیان را تا آنجا پیش می‌برد که بیان می‌کند به‌ندرت می‌توان یک فرد معتقد درستکار را در این جمع یافت (دو گوبینو، ۱۳۶۷: ۲۸۹). دو گوبینو در برخی صفحات کتابش مطالبی را بیان می‌کند که در اصل با دیدن چند نفر تاجر و دلالت ایرانی آن مطالب را برداشت کرده است و خصلت زیرکی، دورویی، متقلب و از این قبیل صفات را که در آنها مشاهده کرده است، به تمام ایرانیان نسبت می‌دهد. همچنین، با دیدن ثروتمندانی که با ظاهر خوبی در جامعه حاضر نمی‌شوند، این ویژگی را به تمام ایران و حتی آسیا نسبت می‌دهد؛ بدین‌صورت که نمی‌توان مردم آسیا را از روی ظاهرشان قضاوت کرد. در جای دیگری، دو

گوبینو از حفظ ظاهر و تشریفات ایرانیان یاد می‌کند، اما بیان نمی‌کند که این موضوع می‌تواند ناشی از مهمان‌نوازی ایرانیان باشد و مخاطب را بیشتر به سمت دورویی ایرانیان هدایت می‌کند (دو گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۲۹). وی در توصیف مجلسی که در آن حضور داشته است و در میان توضیحاتش در مورد آزادی بازیگران تئاتر در ایران از دورویی برخی افراد که آنها را «مُلانمایان» خوانده است، بی‌هیچ مقدمه‌ای یاد می‌کند و این مسئله دورویی ملانمایان را مفروض می‌گیرد (دو گوبینو، ۱۳۶۷: ۲۱۷). دو گوبینو از دین اسلام که دین رسمی مردم ایران است، به‌عنوان عاملی برای دورویی یاد می‌کند و بیان می‌کند اسلام به درون و قلب انسان‌ها کاری ندارد و همین امر باعث می‌شود افراد در ظاهر، مسلمان و در باطن، دارای دین دیگری باشند (دو گوبینو، ۱۳۶۷: ۲۹۳). برداشت نادرست و کلیشه‌ای او از اسلام هم بیش‌تعمیم و هم اغراق نوع دوم است.

## ۷ - گاسپار دروویل

گاسپار دروویل<sup>۱</sup> افسری فرانسوی است که در سال‌های ۱۸۱۲ تا ۱۸۱۳ در پانزدهمین سال سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار و ولایتعهدی عباس میرزا در ایران اقامت داشته است. گاسپار دروویل خاطراتش را در دو جلد کتاب به‌نام سفر در ایران در سال ۱۸۲۸ میلادی منتشر کرد. سفرنامه او به جز چند فصل که درباره اوضاع نظامی و سیاسی ایران و دربار فتحعلی‌شاه و اقدامات عباس میرزا است، درباره فرهنگ، زندگی، باورها و آیین‌های مردم ایران است.

جدول ۷- نوع راهبردهای به‌کاررفته در کتاب گاسپار دروویل

راهبرد	متن	نام کتاب	نام نویسنده
مفروضه	ایرانیان مردمانی ملایم، مهربان و بادبند. در میهمان‌نوازی نمونه، در گفتار روان و در روابطشان با یکدیگر دقیق و حيله‌گرند. ایرانی‌ها به منتهای درجه خرافاتی هستند. شیفته سفر، شکار و زیارتند. ارباب‌هایی با گذشت و با فتوت و نیکوکارند، اما برای بالابردن مقام و ثروت خود بی‌عاطفه و دورو هستند. در برابر شاه مطیع و فرمان‌بردار و در باطن آزاده‌اند. با اینکه دشمن سوگند خورده یکدیگرند، ولی در ظاهر مؤدبند و مانند صمیمانه‌ترین دوستان باهم برخورد می‌نمایند.	سفر در ایران، سال ۱۲۰۶ قمری، سال چاپ ۱۳۶۴، صفحات ۳۸، ۴۰	گاسپار دروویل

1. Gaspard Drouville

ادامه جدول ۷- نوع راهبردهای به کاررفته در کتاب گاسپار دروویل

راهبرد	متن	نام کتاب	نام نویسنده
مفروضه	<p>زن‌ها معمولاً در شب جمعه بر سر قبر پدر و مادر و زنان بیوه بر سر قبر شوهر ازدست‌رفته‌شان می‌روند و دعا و گریه سر می‌دهند. این مراسم بیشتر از روی عادت است تا اعتقاد واقعی و چون جنبه تظاهر دارد، باید با داد و فریاد همراه باشد. هر چه جیغ و داد بیشتر باشد، نمایانگر دل‌بستگی بیشتر آنها نسبت به شوهر فقیدشان است. و اما تأثر و تألمی که از دیدن این مناظر دست می‌دهد، مدت زیادی طول نمی‌کشد؛ زیرا که همین زنان هنگام مراجعت به شهر، جملگی شاد و خندانند و در رفتار آنان علائم شادمانی کامل به‌خوبی آشکار است. مردها هم غالب اوقات بر مزار زن‌های محبوبشان می‌روند و گریه می‌کنند، اما بر خلاف زن‌ها که در این مواقع با ادا و اصول می‌خواهند جلب توجه کنند، حالت اندوه عمیق و حیرت‌زدگی واقعی دارند.</p>	<p>همان، فصل «درباره» روز جمعه و عبادات»، صفحه ۱۲۵</p>	<p>گاسپار دروویل</p>

ارزش کتاب «سفر در ایران» به‌عنوان یک متن مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی و فرهنگ‌شناسی بسیار بیشتر از جنبه تاریخی و سیاسی آن است. اهمیت سفرنامه دروویل به این دلیل است که تصویرگر صحنه‌های فراوانی از زندگی مردم در عصر قاجار است. هرچند برای ایرانیان خصلت‌های نیک زیادی برمی‌شمارد، در جاهایی به ویژگی‌هایی می‌پردازد که نسبت‌دادن دورویی به ایرانیان است. این ویژگی‌ها در قالب مفروضات نویسنده بیان شده‌اند؛ یعنی فقط توصیف شده‌اند و به دلایل دیگری متکی نیستند. دروویل در مورد آداب رسوم ایرانیان صحبت می‌کند و مجموعه‌ای از این رسوم را پیروی از عادات دیرینه می‌داند، نه از سر اعتقادات قلبی (دروویل، ۱۳۶۴: ۱۲۵). از متن کتاب وی چنین برمی‌آید که احترام به آداب و رسوم، از ایرانیان مردمی ریاکار ساخته است که برای بازی کردن نقش‌های سخت تبحر یافته‌اند و در واقع، این مطلب مفروضه نویسنده است. توصیف نویسنده از رسم دیدار اهل قبور نشان می‌دهد آداب سر قبر رفتن و عزاداری را درک نکرده است؛ البته ممکن است این آیین با دورویی نیز آمیخته شود، اما اصل ماجرا همراه ریاکارانه نیست.

## ۸ - جیمز موریه

جیمز موریه<sup>۱</sup> دیپلمات و نویسنده بریتانیایی قرن نوزدهم و مأمور سیاسی، هم‌زمان با سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار در ایران بود. موریه در سال ۱۸۰۸ با عنوان منشی هارفورد جونز، سفیر وقت بریتانیا، به ایران سفر کرد. یک‌سال بعد، موریه میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی را به‌عنوان سفیر ایران در دربار انگلستان در سفر به لندن همراهی کرد. احتمالاً همنشینی با میرزا ابوالحسن در طول این سفر، در نگارش کتاب «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» بسیار مؤثر بوده است. سفرنامه جیمز موریه، کتابی دوجلدی است که درباره گزارش‌های سفر جیمز موریه به ایران است. این کتاب در سال‌های ۱۸۱۲ و ۱۸۱۸ میلادی منتشر شده است.

جدول ۸- نوع راهبرد به‌کاررفته در کتاب جیمز موریه

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهبرد
جیمز موریه	سفرنامه جیمز موریه (سفر دوم)، سال ۱۲۰۲ قمری، سال چاپ ۱۳۸۶، صفحه ۵۲	اهالی هند بیش از ایرانیان که خوی سپاهی دارند، به تظاهر و خودنمایی دل‌بسته‌اند.	مفروضه

از آنجاکه سفرنامه جیمز موریه در آستانه تغییرات اجتماعی و نظامی در ایران براساس انضباط اروپایی نوشته شده است، بعید نیست که مشاهده‌های موریه از خلق و خوی ایرانیان به مقطعی از زمان مربوط باشد و گذرا باشد. وی رویدادی را که در دربار اتفاق افتاده است، در کتابش ذکر کرده است و جمال‌زاده (۱۳۷۱) نیز در کتاب خود به این مورد ارجاع داده است؛ گویی همه ایرانیان این‌گونه هستند: «یک بار صدر اعظم در نزد من به کسی که قرار بود برای گفتن خیر مقدم به گماشته روسی فرستاده شود، در ضمن توصیه‌هایش با تأکید گفت: «خیلی تملق او را بگوا» لکن آنها هم مانند ما از ارزش واقعی تملق به‌خوبی آگاهند...».

## ۹ - پیر آمدی ژوبر

پیر آمدی امیلین پروب ژوبر<sup>۲</sup> در سوم ژوئن سال ۱۷۷۹ میلادی در اکس - آن - پروانس<sup>۳</sup> متولد شد. کتاب «مسافرت در ایران و ارمنستان» گزارشی مربوط به قرن نوزدهم درباره شرایط

1 Morier

2 Pierre Amedee Emilien Probe Jaubert

3 Aix-en-Provence

و وضع ایران و جهان است. در واقع، این کتاب سفرنامه یا گزارشی از مجموعه یادداشت‌های وی از اوضاع ایران است؛ هنگامی که ایران زیر نفوذ کشورهای چوَن انگلیس و روس بود و دربار قاجار نقشی کم‌رنگ داشت.

جدول ۹- نوع راهبرد به‌کاررفته در کتاب پیر آمدی ژوبر

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهبرد
پیر آمده ژوبر	مسافرت در ایران و ارمنستان، سال ۱۱۹۹ میلادی، سال چاپ ۱۳۴۷، صفحه ۲۴۷	ایرانیان معتقدند که داوری جز خواست شاه قاعده و قانونی ندارد. سر را زیر یوغ او می‌آورند و حتی درک نمی‌کنند که می‌شود خود را از این قید رها ساخت. آنان برای فرمان‌برداری یا تغییر ارباب حاضرند که بجنگند، ولی برای آزادی، آن کلمه‌ای که به‌هیچ‌وجه معادلی در زبانشان ندارد، نمی‌جنگند. آنان بی‌شرمانه از کسی که به ایشان زور می‌گوید تملق می‌گویند و همیشه این پند بیزارکننده را که در زبانشان به‌صورت ضرب‌المثلی در آمده، به‌کار می‌بندند که می‌گوید: «دستی را که نمی‌توانی ببری، ببوس». به‌چشم آنان حق، معنی ندارد و زور همه‌چیز است. کامیابی است که همیشه کارها را موجه می‌سازد. گزینش وسائل برای آنها چیز کم‌ارزشی است (برای کامیابی از هر وسیله‌ای می‌توان استفاده کرد). دورویی، خیانت و پیمان‌شکنی به نظرشان قابل‌سرزنش و مؤاخذه نیست؛ باید به کام خود رسید. پنهان کردن عقیده و تقیه‌نمودن (انکار کردن دین خود در هنگام خطر فوری) به‌چشم آنها هیچ جرمی نیست.	بیش تعمیم، اغراق نوع دوم

ژوبر بدون هیچ استدلالی ایرانیان را متملق و دورو دانسته است و راهبرد او تعمیم‌دادن رفتارهای درباریان به همه ایرانیان بوده است. شرایط سیاسی و جو حاکم بر دربار و طبقه اشرافی باعث می‌شده است که عده‌ای برای حفظ جان و مال خود یا کسب مال و مقام، به چاپلوسی و تملق اربابان بپردازند. ژوبر با دیدن برخی از این روابط، این ویژگی را به همه ایرانیان نسبت داده است و بدین‌صورت ایرانیان را متملق و دورو معرفی کرده است. همچنین، وی ایرانیان را به دورویی مذهبی متهم کرده است که آن را جرم نمی‌دانند و دین و مذهب برای آنان جنبه ظاهری دارد، نه باطنی.

ژوبر راهبرد اغراق در انتقال پیام به مخاطب را در جایی به کار برده است که می‌گوید «واژه آزادی هیچ معادلی در زبان فارسی ندارد». این شکل مرسوم از اغراق نوع دوم، یعنی ندیدن واقعیت‌هاست که نویسنده‌ای گروهی از مردم را صرفاً به این علت که عین واژه‌ای که مد نظر اوست در زبان خود ندارند، از برخی ویژگی‌ها و کیفیت‌ها محروم می‌داند.

برخلاف سفرنامه‌نویسانی که ایرانیان را عاری از رفتارهای دموکراتیک و ایران را سراسر استبدادی توصیف کرده‌اند، آبراهامیان (۱۳۹۷) در توصیف نحوه اداره امور روزمره در ایران پیش از انقلاب مشروطه، یعنی پیش از آنکه مفاهیمی چون دموکراسی و مشروطه وارد ادبیات روشنفکری و عامیانه شود، بیان می‌کند که در بیشتر نقاط کشور، نوعی دموکراسی وجود داشته است؛ به این صورت که در عمل، دولت نمی‌توانسته است بدون رضایت مردم حاکمان محلی را نصب کند.

#### ۱۰ - سرجان ملکم

سرجان ملکم<sup>۱</sup> افسر اسکاتلندی کمپانی هند شرقی، تاریخ‌دان و سیاست‌مدار بود. او در اوایل قرن نوزدهم بارها برای مأموریت‌های سیاسی به ایران فرستاده شد. وی به زبان فارسی مسلط بود و با فرهنگ و تاریخ ایران آشنایی داشت. مجموعه دو جلدی «تاریخ کامل ایران» تألیف سرجان ملکم مورخ و سیاست‌مدار انگلیسی، اثری درباره تاریخ عمومی ایران است که برای مردم انگلستان نوشته شده است. این اثر کلاسیک تاریخ ایران، در سال ۱۸۱۵ میلادی به زبان انگلیسی نگاشته شد و در سال ۱۲۸۷ هجری، میرزا اسماعیل حیرت آن را به فارسی ترجمه کرد.

جدول ۱۰- نوع راهبرد به کاررفته در کتاب سرجان ملکم

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهبرد
سرجان ملکم	تاریخ کامل ایران، جلد دوم، سال ۱۱۹۳ میلادی، سال چاپ ۱۲۴۶ قمری، صفحه ۳۲۰	دروغ‌گویی و دورویی ایرانیان ضرب‌المثل است. خود اهالی این مملکت نیز این معنی را انکار ندارند، اما می‌گویند این بیماری در مردم به سبب طرز حکومت و نتیجه وضع رعیت است؛ چراکه رعایای ستم‌زده ناگزیرند هر طور می‌توانند در حفظ خود بکوشند و...	بیش تعمیم

1 Sir John Malcolm

## ۱۱- ژان شاردن

ژان شاردن<sup>۱</sup> در سال ۱۶۴۳ میلادی در شهر پاریس متولد شد. شاردن نخستین فرانسوی‌ای بود که توجه جامعه ادبی فرانسه را به ادبیات فارسی جلب کرد. در میان آثار برگزیده سیاحان دانشمند و محققان اروپایی، تألیفات ژان شاردن مقام و منزلت ویژه‌ای دارد و از چند حیث بی نظیر است: اول اینکه درباره دوره درخشان صفویه است؛ دوم اینکه به زبان پارسی و ترکی آشنا بوده است و به زبان محاوره فارسی تسلط کامل داشته است؛ سوم به دلیل معاشرت و مجاورت چندساله وی با مردم و طبقات گوناگون جامعه در دو دوره زندگی در ایران، عشق او به تمدن ایران و مشهور بودنش در فلسفه، سیاحت‌نامه او مرجع نویسندگان دیگری نظیر ادوارد براون<sup>۲</sup>، روسو<sup>۳</sup>، گیبون<sup>۴</sup> و دیدرو<sup>۵</sup> بوده است و در زمان حیاتش به زبان‌های دیگر دنیا ترجمه شده است. همچنین، ویژگی‌های تاریخی، نژادی، اجتماعی و مذهبی ملل و مردم امپراتوری باستانی ایران و نیز دوران باشکوه دولت صفوی را با موازین علمی شرح داده است.

جدول ۱۱- نوع راهبردهای به‌کاررفته در کتاب ژان شاردن

نام نویسنده	نام کتاب	متن	راهبرد
ژان شاردن	سفرنامه شاردن، جلد سوم، سال ۱۰۸۹ میلادی، سال چاپ ۱۳۷۲ هجری شمسی، صفحه ۱۲۱۷	ایرانیان بر این اعتقاد هستند که شاه دارای موهبتی الهی است که آنچه وی لمس می‌کند، مقدس است و باقی‌مانده غذا یا نوشابه وی شفابخش است. درباریان به این اوهام و خرافات اعتقاد ندارند، اما به پذیرفتن آن تظاهر می‌کنند.	اغراق نوع دوم
ژان شاردن	همان، صفحه ۶۱۳	درخور گفتن است کمپانی از آغاز انعقاد این پیمان ناراضی بود زیرا... هلندی‌ها نیز برای جبران زیان‌های حاصل از این قرارداد به‌جای یک میلیون کالا دو میلیون وارد می‌کردند و از طریق تطمیع و رشوه‌دادن به مأموران، گل میخک را به‌جای فلفل، پارچه‌های لطیف و ظریف را به‌جای پارچه‌های خشن و کم قیمت و دو عدل را به‌جای یک عدل جا می‌زدند. این عمل در ایران که دزدی و دغل‌کاری و تزویر و تقلب میان همه مردم رواج کلی دارد، بسیار آسان است.	بیش‌تعمیم نوع دوم: یکپارچه سازی

1 Chardin

2 Edward Brown

3 Rousseau

4 Gibbon

5 Diderot

شاردن برخی متون قدیمی یونانی و رومی دربارهٔ ایران از جمله آثار هرودوت<sup>۱</sup> و استرابورا<sup>۲</sup> را خوانده بود و نیز با آثار سیاحان اروپایی پیش از خود نیز آشنا بود و با دیدی انتقادی به نوشته‌های آنان دربارهٔ ایران می‌نگریست. شاردن با دقت و تیزبینی‌ای که داشته است، دربارهٔ ایران و ایرانی چیزهای زیادی در کتابش نوشته است؛ گاهی به حق و گاهی ناحق؛ برای مثال، با مشاهدهٔ برخی از مناسبات و ارتباطات صاحب‌منصبان با زیردستان که عموماً آنها را تحت سیطرهٔ خود داشتند، فرضیهٔ خود را به صورت واقعیت در نظر گرفته و آن را به عموم مردم ایران نسبت داده است (شاردن، ۱۳۷۲: ۷۶۵). یا در ابتدا به اعتقاد راسخ ایرانیان در مورد شخصیت شاه به عنوان یک مقام خاص اشاره کرده است و در ادامه، درباریان از این عقیده و خرافات مستثنی شده‌اند و فقط به منظور کسب منفعت به داشتن این عقاید و خرافات تظاهر می‌کنند (شاردن، ۱۳۷۲، ۱۲۱۷)؛ بنابراین، نمی‌توان تظاهر و دورویی این اشخاص را که به دلیل منفعت طلبی بوده است، به کل مردم ایران نسبت داد. همان‌طور که پیش‌تر هم ذکر شد، نمی‌توان خواجه‌های دربار را به دلیل شرایط خاص جسمی و روانی‌ای که داشتند، نمایندهٔ جامعهٔ ایران قلمداد کرد. همچنین، با توجه به موقعیت شغلی آنها و حساسیت حفظ اسرار لازم بوده است رازداری و حفظ ظاهر را در ارتباطات روزمره در نظر داشته باشند. در جایی دیگر، شاردن برخلاف دیگر موارد ذکر شده در پژوهش حاضر، زنان ایران را از دورویی مبرا کرده است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۱۲). این مورد نشان می‌دهد که نمی‌توان خصلت دورویی را به تمام ایرانیان نسبت داد؛ زیرا ظاهراً دست‌کم زنان این ویژگی را ندارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

ریشه‌های شناخت ایران جدید در اروپا از نیمهٔ دوم قرن هفدهم با آغاز فرمان‌روایی صفویان و از طریق نگارش سفرنامه‌های سیاحان و نویسندگان شکل گرفت. سفرنامه‌نویسان از نظر محتوا نیز با معیار قراردادی جهانگردی اروپاییان و دیدن برخی از روابط درباری، رفتار و خلیقات ایرانیان را در ترازوی داوری قرار داده‌اند و عموماً به سوگیری پرداخته‌اند و گاهی نظرهای خود را به کل جامعهٔ ایران تعمیم داده‌اند، اما در این میان، نباید از نقش تأثیرگذار سفرنامه‌ها در شکل‌گیری تصویری از ملت ایران در ذهن ملل دیگر غفلت کرد؛ به‌طور مثال، براون (۱۳۷۵) در کتاب خود چنین نقل می‌کند:

1 Herodotus

2 Strabona



«مسافری خارجی که به ایران سفر می‌کنند، باید متوجه این نکته باشند که در این مملکت هر وقت که کسی چیزی را به دیگری پیشکش می‌کند، اگر از حیث وضع اجتماعی و مادی پایین‌تر از آن شخص باشد، منظورش فروش آن شیء می‌باشد، منتهی ایرانی‌ها چون مردمی مؤدب هستند، صریحاً نمی‌گویند که می‌خواهم این شیء را بفروشم، بلکه می‌گویند که می‌خواهم پیشکش کنم. بعضی مسافران از این عادت ایرانی‌ها بدشان آمده و آن را یک نوع تزویر دانسته‌اند؛ در صورتی که چنین نیست» (به نقل از جمال‌زاده، ۱۳۷۱).

علت این موضوع را می‌توان در تفاوت‌های فرهنگی بین اقوام گوناگون دانست که موجب کج فهمی در رابطه با آداب و رسوم ملل و در نتیجه، برداشت نامناسب از رفتارها، رسوم و عادات می‌شود. از معدود محققانی که به فهمی همدلانه از تعاملات ایرانیان دست یافته‌اند، ویلیام بی‌من<sup>۱</sup> (۱۳۸۶) است که در کتاب «زبان، منزلت و قدرت در ایران»، ساختار روابط عمودی در ایران را با استفاده از ابزارهای زبان‌شناسی شرح داده است و توانسته است نحوه تعاملات و تعارفات ایرانیان را با ارجاع به ساختار اجتماعی حاکم فهم‌پذیر کند.

در این پژوهش با تمرکز بر راهبردهای نویسندگان در انتساب صفت «دورویی» متونی را بررسی کردیم که در آنها به دورویی ایرانیان اشاره شده است. تعدادی از نویسندگان به دورویی دولتیان اشاره کرده‌اند، آن را مذمت نموده‌اند و صفت بارز طبقه حاکم تلقی کرده‌اند. برخی دیگر از نویسندگان این دورویی در طبقه حاکم را به کل ایرانیان تعمیم داده‌اند. تعدادی از سفرنامه‌نویسان پس از مشاهده تملق و دورویی مردم زیردست در مقابل اربابان قدرت، بدون در نظر گرفتن شرایط ارباب و رعیتی حاکم بر جامعه ایران و اقتضائات آن، مردم ایران را مردمی به‌طور ذاتی دورو و متملق خوانده‌اند. سیاحان دیگری مانند پولاک، با توجه به اعتقادات مذهبی ایرانیان و بدون در نظر گرفتن شرایط و قوانین دینی و مذهبی اسلام، صرفاً با تأکید سوگیرانه بر بخش بسیار کوچکی از احادیث و آیات (که مسلم است نمی‌توانند معرف‌های شایسته‌ای برای دین و فرهنگ دینی باشند) و مصادره به‌مطلوب این بخش کوچک، ایرانیان را دورو و متظاهر خوانده‌اند؛ این در حالی است که مذهب ریشه‌های عمیق‌تری در بین این ملت دارد و آیین و دستورالعمل‌های ویژه خود را داراست و با ساده‌سازی و بدون داشتن علم و آگاهی درباره این دستورالعمل‌ها نمی‌توان آنها را تفسیر کرد. افزون‌براین، باید به دلالت‌های اجتماعی و نه صرفاً متنی، دین و ادبیات نیز توجه کرد. صرف حضور یک حدیث یا بیت عامه‌پسند یا ضرب‌المثل در یک فرهنگ، ضامن اجرایی شدن آن به همان صورتی که از ظاهر متن برمی‌آید، نیست، بلکه

1 William Orman Beeman

تفسیرهای متعددی در زمان‌های گوناگون از متون ارائه شده و در عمل اجرا می‌شود. در آخر اینکه، برخی نویسندگان مانند شاردن و دو گوینو با راهبرد بیش‌تعمیم‌دهی و یکپارچه‌سازی، با دیدن یک یا دو مورد از ویژگی اخلاقی دورویی آن را به تمامی ایرانیان نسبت داده‌اند.

بررسی راهبردهای به‌کارگرفته‌شده توسط نویسندگان پژوهش حاضر، برای انتساب دورویی به ایرانیان، تأییدکننده یافته‌های مطالعه ادوارد سعید (۱۹۹۴) در مورد دانش شرق‌شناسی است. یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد همان‌طور که نویسندگان ایرانی از جمال‌زاده تاکنون از راهبردهای فراگیری، تمایز، بیش‌تعمیم، اغراق، و مفروض‌گرفتن یک صفت برای توصیف خلیقات ایرانیان استفاده کرده‌اند، سفرنامه‌نویسان و تاجران و دیپلمات‌های عصر صفوی تا پهلوی نیز از همین راهبردها استفاده کرده بودند.

در تصویری کلی‌تر، براساس پژوهش حاضر، و یافته‌های پژوهش امیر (۱۳۹۶)، اگر از دوران صفوی تا به امروز نگاه کنیم، همان گفتمان و راهبردهای غالب در دانش شرق‌شناسی در انتساب ویژگی دورویی به ایرانیان غالب بوده است؛ یعنی «نبود ارتباط با واقعیت» و «استمرار به‌کارگیری راهبردهایی که دغدغه برقراری ارتباط با واقعیت را ندارند». یافته‌های پژوهش حاضر، نشان داد که از میان این راهبردها، بیش‌تعمیم و نیز مفروض‌گرفتن صفت دورویی در میان ایرانیان، دو راهبرد پرکاربردتر بوده‌اند.

در پژوهش حاضر، تلاش کردیم به خوانش‌های بدیل نیز توجه کنیم. از جمله از ویلیام بی‌من نام بردیم که بدون دورو خواندن ایرانیان، تلاش می‌کند با توجه به درجه زیاد عمودی بودن روابط در جامعه ایران، تناقض‌های گفتاری و رفتاری‌ای را فهم‌پذیر کند که دیگر مشاهده‌گران خارجی را مجاب کرده‌اند ایرانیان را دورو بخوانند. کارلا سرنا، نویسنده دیگری است که از دورو خواندن ایرانیان پرهیز می‌کند؛ شاید به این دلیل که او همچون ویلیام بی‌من به زندگی مردم عادی نفوذ کرده است. در کتاب «مردم و دیدنی‌های ایران» می‌بینیم که سرنا تلاش می‌کند رفتار ایرانیان را در زمینه‌ای ساختاری توصیف و تحلیل کند. این تناقض بین بیان سرنا و دیگران، همان تناقض مهم بین توصیف رفتار ایرانیان و نسبت‌دادن صفاتی مطلق به آنهاست. بین دو جمله «ایرانی‌ها دورو هستند» و «ایرانی‌ها رفتار دورویانه دارند» تفاوت بسیاری وجود دارد. در جمله نخست، صفتی به‌طور مطلق، بدون قید زمان و مکان، به ایرانیان نسبت داده می‌شود. در جمله دوم، بر زمان حال تأکید می‌شود و بنابراین، ارائه تحلیل موقعیتی از رفتار ایرانیان را امکان‌پذیر می‌کند، اما در تعبیر اول، ذات‌گرایی غالب است؛ گویی «دورویی»

ویژگی دیرین و ابدی ایرانیان است. نویسندگانی که به این نکته ظریف توجه کرده‌اند، یعنی بی‌من، سرنا و موریه به دام کلیشه‌های شرق‌شناسانه نیفتاده‌اند، اما دیگران همان توصیفات را که در مورد شرقی‌ها رایج بوده است، در آثار خود بازتولید کرده‌اند.

نکته درخور ذکر این است که در گذر زمان و در طول تاریخ، گفتمان توصیف خلیقات ایرانیان زیر سیطره رویکرد نخست قرار گرفته است و در نقل‌قول‌ها و تتبعاتی که تاکنون ادامه داشته است، همان چیزی که ادوارد سعید «ارتباط‌نداشتن شرق‌شناسی با واقعیت شرق» می‌خواند، غالب شده است. آنچه در عمل مشاهده می‌شود، این است که بدنه معرفت توصیف خلیقات ایرانیان، ادامه راه سفرنامه‌نویسانی است که صفت‌هایی چون دورویی را بدون توجه به ملزومات آن به ایرانیان نسبت داده‌اند؛ حتی خلیقات‌نویسان ایرانی نیز عمدتاً همین راه را ادامه داده‌اند و در گفتمانی قرار گرفته‌اند که ادوارد سعید آن را «خودشرق‌شناسی» می‌خواند.

## منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۷) تاریخ ایران مدرن. ترجمه محمدابراهیم فتاحی، چاپ هفدهم، تهران، نشر نی.
- آراین پور، یحیی (۱۳۵۰) از صبا تا نیما، جلد ۲، چاپ اول، تهران: جیبی.
- الرحمن، منیب (۱۳۷۸) شعر دوره مشروطه، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: نشر روزگار.
- امیر، آرمین (۱۳۹۶) ره افسانه زدند: تبارشناسی آثار خلیفاتنویسان ایرانی در پنجاه سال اخیر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایزدی، علی محمد (۱۳۶۹) نجات، شش جلد، تهران: قلم.
- ایزدی، علی محمد (۱۳۹۱) چرا عقب مانده ایم: جامعه‌شناسی مردم ایران، چاپ پنجم، تهران: علم.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۷۵) یک سال در میان ایرانیان، ترجمه ذبیح‌الله منصور، تهران: صفار بی‌من، ویلیام (۱۳۸۶) زبان، منزلت و قدرت در ایران، ترجمه رضا مقدم‌کیا، ویراست دوم، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- یولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۸) سفرنامه یولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۷۱) خلیفات ما ایرانیان، بازچاپ، آلمان: نوید.
- جهانگیری، جهانگیر و افراسیابی، حسین (۱۳۹۰) «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره ۴۳، ۱۷۵۱۵۳.
- دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۸۰) سفرنامه... تا پخته شود خامی، جلد اول، تهران: ثالث.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۴) سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شباویز.
- دو گوینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷) سفرنامه سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتابسرا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۲) لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران: تهران.
- ژوبر، پیر آمدی (۱۳۴۷) مسافرت در ارمنستان و ایران، ترجمه علیقلی اعتمادمقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳) مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲) فرهنگ سیاسی ایران، چاپ سوم، تهران: فروزان روز.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۳) اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار، چاپ هفتم، تهران: فروزان روز.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲) سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، جلد ۲، ۳، ۴، تهران: توس.

- شیبانی، ژن رز فرانسواز (۱۳۸۴) سفر اروپاییان به ایران، ترجمه سیدضیاءالدین دهشیری، چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۴۰) کلیات دیوان عارف قزوینی، تهران: امیرکبیر.
- عمید، حسن (۱۳۸۹) فرهنگ فارسی عمید، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربانزاده، تهران: اشجع.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶) ما ایرانیان: زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی، تهران: نی
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۸۹) در پیرامون خودمداری ایرانیان: رساله‌ای در روان‌شناسی مردم ایران، چاپ ششم، تهران: کتاب آمه.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۱) در فضیلت مدنیت: نگاهی به نامدنیتهای سیاسی و اجتماعی در ایران، تهران: کتاب آمه.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۳) استبداد در ایران، چاپ ششم، تهران: کتاب آمه.
- کریمی، علی (۱۳۸۶) «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجار»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۸، شماره ۱، ۶۲۳۱.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳) سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- گوینارد، ماریا فرانسوا (۱۳۷۴) ادبیات تطبیقی، ترجمه و تکمیل علی‌اکبر خان‌محمدی، تهران: پازنگ.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۲۵) سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، قاهره: کلکته.
- ملکم، سرجان (۱۲۴۶) تاریخ ایران، ترجمه اسماعیل حیرت، جلد دوم، بمبئی: ناصری.
- موریه، جیمز جاستی نین (۱۳۸۶) سفرنامه جیمز موریه، ترجمه ابوالقاسم سّری، جلد دوم، تهران: توس.
- میلسیپو، آرتور چستر (۱۳۵۷) پایان مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه ناصرالدین پروین، تهران: پیام.
- نراقی، حسن (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی خودمانی: چرا درمانده‌ایم؟، چاپ ۱۹، تهران: اختران.
- نراقی، حسن (۱۳۹۲) ناگفته‌ها: در گفت‌وگو با روزبه میرابراهیمی، چاپ سوم (چاپ اول ناشر)، تهران: کتاب آمه.
- نراقی، حسن (۱۳۹۳ الف) پی‌نکته‌هایی بر جامعه‌شناسی خودمانی، چاپ دوم (چاپ اول ناشر)، تهران: کتاب آمه.
- نراقی، حسن (۱۳۹۳ ب) حسن نراقی و خودمانی‌هایش، تهران: علم.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۹) اثرآفرینان: زندگی‌نامه نام‌آوران فرهنگی ایران، جلد ۴، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳) بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.

- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹) چشمه روشن، چاپ دوم، تهران: علمی.
- Said, Edward W (1994) *Orientalism*. New York: Vintage Books.
  - Sociolino, Elaine (2000) *Persian Mirrors: The Elusive Face of Iran*. New York: The Free Press.
  - Terhune, K. W (1970) "From national character to national behavior: A reformulation". *The Journal of Conflict Resolution*, 14(2), 203-263 .